

دکتر رابرت چیشولم، سرودهای خدمتگزار اشعیا جلسه ۴: خدمتگزار رنج کشیده خداوند (ب) (اشعیا (۵۲:۱۲-۵۳:۱۲)

این دکتر رابرت چیشولم و آموزه‌های او در مورد سرودهای خدمتکارانه اشعیا است. این جلسه ۴، خدمتکار رنج کشیده خداوند، بخش ب است. اشعیا ۵۲:۱۲-۵۳:۱۲

بیاپید به مطالعه خود در مورد اشعیا ۵۳ برگردیم. ما در آیه ۸ به پایان رسیدیم و دوباره از ترجمه کتاب مقدس اینترنتی می‌خوانم. در این آیه بعدی، چند روش مختلف وجود دارد که می‌توانید جمله اول را برداشت کنید. من آن را ترجمه کردم. او پس از یک محاکمه ناعادلانه به جایی برده شد، اما گزینه‌های دیگری نیز در درک زبان عبری وجود دارد که می‌توانیم در نظر بگیریم.

گزینه دیگر می‌تواند پس از یک تصمیم قانونی اجباری یا چیزی شبیه به آن، یا به طور ناعادلانه، بدون اینکه کسی از او دفاع کند، یا حتی پس از دستگیری و قضاوت باشد. بنابراین گاهی اوقات زبان عبری کمی دشوار است. کلمات می‌توانند بسته به متن، ظرافت‌های مختلفی داشته باشند و گاهی اوقات ابهام وجود دارد، اما من با این جمله موافق بودم: او پس از یک محاکمه ناعادلانه به جایی دیگر برده شد.

مشارکت داشتم، یک پلاگین کوچک هم اضافه می‌کنم. الان توسط توماس Net Bible از آنجایی که در نلسون اداره می‌شود، اما ما یادداشت‌هایی داریم. بنابراین، مترجم این فرصت را داشت که، همانطور که آن را ترجمه می‌کرد، با چنین موقعیتی روبرو شود که ممکن است سه گزینه مختلف وجود داشته باشد. احتمالاً این سه گزینه در ترجمه‌های مختلف منعکس خواهند شد.

ما توانستیم یک یادداشت مترجم در آنجا قرار دهیم که گزینه‌ها و دلیل انتخاب آن مورد خاص را توضیح می‌داد. در هر صورت، او پس از یک محاکمه ناعادلانه به جایی دیگر برده شد. این کار جواب می‌دهد.

و بعد می‌گویند، و در مورد نسل او، چه کسی متوجه شد؟ اما من آن را ترجمه کردم، اما چه کسی اصلاً اهمیت داد؟ و یک نسل، ما گاهی اوقات به نسل بعدی فکر می‌کنیم، اما من معتقدم که این کلمه عبری نسل گاهی اوقات برای نسل معاصر یک فرد استفاده می‌شود. بنابراین، چه کسی در میان نسل معاصر او اصلاً به آن فکر کرده است؟ چه کسی اصلاً اهمیت داده است؟ و بعد می‌گویند، در واقع، او از سرزمین زندگان جدا شد. و اگر آن عبارت، جدا شده از سرزمین زندگان، را در جای دیگری از عهد عتیق مطالعه کنید، این به حبس یا چیزی شبیه به آن اشاره نمی‌کند.

این به مرگ اشاره دارد. بله، وقتی از دنیا جدا می‌شوید، سرزمین زندگان جایی است که مردم در آن زندگی می‌کنند، حرکت می‌کنند، نفس می‌کشند و به کارهایشان می‌رسند، و جدا شدن از آن به این معنی است که به شئول رفته‌اید. و اگر این عبارت و کاربرد آن را در عهد عتیق مطالعه کنید، خواهید دید که واقعاً همینطور است.

و سپس یک ساختار سببی در متن عبری وجود دارد. به دلیل پشاه شورش... و متن عبری می‌گوید، قوم من، به دلیل شورش قوم من. بنابراین او از سرزمین زندگان جدا می‌شود.

این به من نشان می‌دهد که او مرده است. او کشته شده است. رنج او به مرگ ختم شده است.

و چرا اینطور شد؟ به خاطر شورش قوم من، که مجازات حق آنها بود. بنابراین یک بار دیگر، ما به این ایده می‌رسیم که آنها سزاوار مجازات بودند. او این کار را نکرد.

اما او حاضر بود مجازات آنها را بپذیرد، و بنابراین به دلیل شورش آنها از سرزمین زندگان بریده شد. اما اگر قوم من هستند که صحبت می‌کنند، اکنون می‌تواند پیامبر باشد. پیامبر، من استدلال کرده‌ام، پیامبر به عنوان نماینده مردم صحبت می‌کند، و بنابراین از ما و ما استفاده می‌کند.

،شورش مردم من. I، اما او می‌تواند به طور قابل تصویری از ضمیر اول شخص مفرد، به عنوان گوینده بخوانید. آن را با (his people) استفاده کند. گزینه دیگر این است که می‌توانید آن را به صورت قوم او ضمیر متفاوتی بخوانید، و این همان چیزی است که قمران دارد.

این چیزی است که یکی از نسخه‌های خطی قمران دارد. بنابراین، به دلیل شورش قومش. و به این دلیل که اگر متنی از قمران را بخوانید، گاهی اوقات تشخیص یود و باب واقعاً دشوار است.

شما به یک زمینه نیاز دارید، و بنابراین قوم من یا قوم او اینجا کار می‌کنند. خب، کدام یک؟ اما در هر صورت، قوم من، اگر این پیامبر است که صحبت می‌کند، اگر حتی بتوانیم خداوند را اینجا معرفی کنیم، قوم پیامبر اسرائیل خواهد بود.

ای قوم من، اگرچه خداوند در ابتدا و انتهای سرود صحبت می‌کند، اما در اواسط آن، من در این مورد مطمئن نیستم. اما اگر خداوند صحبت می‌کند، ای قوم من، آن قوم اسرائیل خواهد بود. و اگر قوم او باشد فکر می‌کنم آن قوم اسرائیل خواهد بود.

در هر صورت، بنابراین اسرائیل، جامعه‌ی عهد، در اینجا مورد توجه است و بنابراین بنده دستگیر و محاکمه شد. هیچ کس واقعاً به دنبال مداخله از طرف او نبود و او به دلیل شورش قوم خود یا قوم پیامبر، از سرزمین زندگان جدا شد، زیرا او حاضر بود جان خود را برای آنها بدهد و مجازات خدا را بر خود بگیرد. و همانطور که در اینجا می‌خوانید، برخی از محققان این سوال را مطرح کرده‌اند که آیا این واقعاً زبان جایگزین است، اما من فکر می‌کنم که قطعاً این امکان را فراهم می‌کند.

و اثر تجمعی، جملات زیادی وجود دارد که می‌توان آنها را اینگونه برداشت کرد. من فکر می‌کنم این بهترین برداشت است، و البته می‌دانیم که وقتی به تحقق آن می‌رسیم، این درست است. آیه بعدی کمی دشوار است.

آنها قصد داشتند او را با جنایتکاران دفن کنند، این ترجمه من است. ریشیم در زبان عبری به معنای «جنایتکاران، افراد شرور است. اما آیه بعدی می‌گوید: «مرد ثروتمندی در مرگش».

ثروتمندان و جنایتکاران به عنوان یک تشبیه شاعرانه خیلی خوب با هم جور در نمی‌آیند، زیرا، بله، پیامبران گاهی اوقات ثروتمندان را شرور می‌دانند. آنها ظالم هستند، اغلب در عهد عتیق، اما جنایتکاران به عنوان جنایتکار دفن می‌شوند. آنها دفن خیلی خوبی نخواهند داشت، در حالی که ثروتمندان، چه درستکار باشند چه نباشند، دفن خوبی خواهند داشت.

بنابراین این یک مشکل بوده است، و مردم سعی کرده‌اند با آن کلمه غنی کارهای مختلفی انجام دهند. آنها سعی کرده‌اند آن را به کلمه دیگری اصلاح کنند، مانند «عاملان شر» یا هر چیز دیگری. اما در آن صورت یک حرف کامل به زبان عبری باید حذف می‌شد.

گاهی اوقات آنها سعی می‌کنند استدلال کنند که یک همانم وجود دارد که ریشه عربی دارد و به ارادل و اوباش اشاره دارد. بنابراین، به جای ثروتمندان، منظور ارادل و اوباش است. این ممکن است با مجرمان همخوانی داشته باشد.

اما گزینه دیگر این است که از منظر تضاد فکر کنیم. خب، آنها قصد داشتند او را با جنایتکاران دفن کنند، اما او در مقبره یک مرد ثروتمند قرار گرفت، و این دقیقاً همان اتفاقی است که برای عیسی افتاد. اگر یوسف رامه ای از راه نرسیده بود، می‌ترسم که عیسی در جایی روی هم تلنبار شده باشد.

چه کسی می‌داند که با جسدش چه می‌کردند، چون او را به عنوان یک جنایتکار به صلیب کشیدند. اما یوسف از راه رسید و اجازه یافت جسدش را ببرد، و جسدش را در مقبره یک مرد ثروتمند دفن کرد، که این فقط راهی برای گفتن این است که او گناهکار نیست. او واقعاً جنایتکار نیست.

شما او را به خاطر این کار مصلوب کردید، اما ببینید جسدش کجا افتاده است، و این به نوعی نشان می‌دهد که او به خاطر آنچه شما گفتید گناهکار نیست. اما این یک آیه مشکل‌ساز است، و خواهید دید که ترجمه‌ها به روش‌های مختلفی انجام می‌شوند. من تصمیم گرفتم آن را بر اساس آنچه در عهد جدید اتفاق معنای عادی آن را بدهم، زیرا او هیچ عمل خشونت‌آمیزی مرتکب rich می‌افتد، در نظر بگیرم و به کلمه نشده بود و فریبکارانه صحبت نکرده بود.

اگر آن را به عنوان «اما او در مقبره یک مرد ثروتمند سر درآورد» نمی‌بینید، اگر فقط کلمه دیگری برای مجرم باشد، پس همینطور خواهد بود، حتی اگر او هیچ عمل خشونت‌آمیزی مرتکب نشده بود و فریبکارانه صحبت نکرده بود. اما از نظر من، او قصد داشت او را با مجرمان دفن کند، اما او در مقبره یک مرد ثروتمند سر درآورد زیرا این کلمه عبری می‌تواند به معنای «حتی اگر» باشد، یا می‌تواند به معنای «زیرا» باشد، بسته به متن. بنابراین ابهام زیادی در اینجا وجود دارد.

از آنجا که او هیچ عمل خشونت‌آمیزی مرتکب نشده بود و نه سخن فریب‌آمیزی گفته بود، بنابراین اعمال و سخنانش بی‌گناه بود و در نتیجه در قبر یک مرد ثروتمند قرار گرفت. آیه ۱۰، اگرچه خداوند می‌خواست او را له کند و بیمار کند. بنابراین اگرچه خداوند می‌خواست او را له کند و بیمار کند، آنچه در ادامه آیه خواهیم دید این است که او در نهایت برکت می‌یابد.

اما جالب است که اراده خداوند این بود که او را به اصطلاح له و بیمار کند. و ما می‌دانیم که چنین است. عیسی، همانطور که به صلیب نزدیک می‌شود، این نکته را بیان می‌کند که او اراده پدر را انجام می‌دهد.

او تسلیم اراده پدر است. او در جتسیمانی دعا می‌کند، باشد که این جام از من بگذرد، اما اراده تو انجام شود، نه اراده من. و این اراده خداوند بود که او را له کند، زیرا همه اینها بخشی از نقشه رستگاری خداوند است.

عیسی باید بمیرد تا گناهکاران را رستگار کند. من سطر بعدی را ترجمه کردم؛ وقتی جبران انجام شود، خیلی سخت است. فقط می‌گویند، اگر روح او قربانی جبران خسارت را تقدیم کند، همین را می‌گویند.

این ترجمه‌ای است که به زبان عبری انجام می‌شود. و این دشوار است، درک آن دشوار است. و ایده معمول این است که او رنج خود را به عنوان جبرانی برای خشنودی خدا از گناهان کسانی که او نماینده آنهاست تقدیم می‌کند.

اگر اینطور باشد، پس ممکن است اینجا یک بن‌مایه‌ی کاهنی داشته باشید. گزینه‌ی دیگر این است که ما از این استعاره‌ی بیماری استفاده کرده‌ایم، و شاید ایده این باشد که آنها فقط چیزی را از دنیای آیین قربانی بیرون می‌کشند تا نکته‌ای را بیان کنند. او بیمار است، اما درست مانند هر مرد بیماری، حتی یک جذامی، اگر آنها، وقتی شفا یافتند، اگر یک آشاما (پیشکش جبران خسارت) تقدیم کنند، می‌توانند بهبود یابند.

بنابراین شاید وقتی جبران خسارت انجام شود. این می‌گوید، فقط به این دلیل که خداوند می‌خواست او را خرد کند و رنج دهد، به این معنی نیست که خداوند او را کاملاً رد کرده است. به نظر من، این نکته مهم است، مهم نیست که چگونه آن را درک کنید و چه نوع ترجمه‌ای را انتخاب کنید.

این به آن معنا نیست که دیگر تمام شده است، زیرا او فرزندی خواهد دید و از عمری طولانی لذت خواهد برد و هدف خداوند از طریق او محقق خواهد شد. بنابراین، اگرچه خداوند به دلیل اینکه همه اینها بخشی از نقشه کفاره خداوند بود، او را متحمل رنج کرد، اما این بدان معنا نیست که کار خداوند با او تمام شده است. و در واقع، او به طور آیینی متبرک خواهد شد و فرزندی خواهد دید و از عمری طولانی لذت خواهد برد.

بعضی‌ها می‌گویند، ببینید، او واقعاً نمرده است. خب، به نظر من که واقعاً مرده است. او از سرزمین زندگان جدا شد، اما خب، ببینید، او برگشته است، و قرار است نوادگانی ببیند، و از عمر طولانی لذت ببرد.

و اینها عناصر کلاسیک نعمت الهی در عهد عتیق هستند. در نهایت، ایوب بسیار بسیار پیر می‌شود و فرزندان خود را می‌بیند. فرزندانش مرده بودند، کشته شده بودند، اما او فرزندان جدیدی به دنیا آورد.

و بنابراین، می‌دانید، می‌توانید اینجا واقعاً تحت‌اللفظی صحبت کنید و بگویید، خب، نوادگان او چه کسانی هستند؟ عمر طولانی، این به معنای زندگی ابدی نیست. عمر طولانی. پس آیا این به این معنی است که مسیح، اگر این مسیح باشد، قرار است در مقطعی بمیرد؟ فکر نمی‌کنم لازم باشد اینقدر تحت‌اللفظی صحبت کنیم.

من فکر می‌کنم آن جمله، او فرزندی خواهد دید و از عمری طولانی برخوردار خواهد شد، فقط یک عبارت شاعرانه عهد عتیق است برای بیان اینکه او از جانب خدا بسیار مورد برکت قرار خواهد گرفت. این روشی است که خدا کسانی را که از آنها راضی است، برکت می‌دهد. و هدف خداوند از طریق او محقق خواهد شد.

بنابراین، این به ما بینشی در مورد بخش اول آیه می‌دهد، جایی که می‌گوید اراده خداوند این بود که او را نابود کند، گویی او را خرد کند، اما در عین حال، خداوند از طریق او هدف خود را به انجام می‌رساند. آیه ۱۱، پس از رنج کشیدن، در مورد کار خود تأمل خواهد کرد. بنابراین پس از اینکه بنده رنج کشید، خواهد دید. تأمل خواهد کرد و راضی خواهد شد.

اینجا یکی از جاهایی است که نظرم در مورد ترجمه‌ام عوض شده است. من ترجمه کردم، او وقتی بفهمد چه کاری انجام داده، راضی خواهد شد. این قطعاً امکان‌پذیر است، اما لهجه‌های عبری و کاربرد آن در جاهای دیگر، ترجمه متفاوتی را در اینجا نشان می‌دهد.

بنابراین، پس از رنج کشیدن، در مورد کار خود تأمل خواهد کرد، نگاه خواهد کرد و از آنچه انجام داده است راضی خواهد بود. و سپس آن عبارت بعدی را با آنچه در ادامه می‌آید در نظر بگیرید، نه با آنچه قبلاً آمده است. و بنابراین، به معنای واقعی کلمه، این با شناخت اوست.

بسیار خوب، بر اساس شناختی که از او دارد. این یعنی چه؟ با شناخت او، یا با شناخت او؟ بنابراین، با شناخت او، در عرض یک دقیقه این را حل خواهیم کرد، او بسیاری را عادل خواهد کرد، بنده‌ی من را، و بسیاری را عادل خواهد کرد، و به خاطر گناهانشان او آنها را به دوش کشید.

بنابراین با شناخت او. می‌توانیم دو راه را طی کنیم. می‌توانیم بگوییم که بر اساس شناخت او، وقتی مردم او را می‌شناسند، او را می‌شناسند، او را می‌شناسند.

نه می‌تواند به معنای شناختن باشد. آنها او را می‌شناسند، و این ایمان است. از طریق ایمان به او و آنچه او انجام داده است، شناخت آنچه او انجام داده است، تعهد به آن، او بنده مرا عادل خواهد ساخت.

گزینه دیگر، دانش او، دانش بنده است. خوب، این به چه معناست؟ اغلب در عهد عتیق، دانش به معنای شناخت اقتدار خداست، در واقع به وفاداری و بیعت اشاره دارد، و بنابراین به وفاداری بنده اشاره دارد. بنابراین می‌بینم که می‌تواند از طریق ایمان به بنده باشد، اما همچنین می‌تواند این باشد که با وفاداری بنده، او بسیاری را عادل می‌کند، یا بسیاری را عادل می‌کند. بنابراین می‌تواند یکی از این دو باشد، اما من فکر می‌کنم که دانش او از او با آنچه در ادامه می‌آید، همراه است.

بنابراین از طریق ایمان به او، بسیاری را عادل خواهد کرد، یا از طریق وفاداری خود به این وظیفه، یعنی، *make justice*، تسلیم شدن خود در برابر داوری خدا، بسیاری را عادل خواهد کرد. بنابراین این اصطلاح، در زبان عبری، به معنای عادل بودن است. پس این به چه معناست؟ باعث شدن عادل شدن.

چند راه برای این کار وجود دارد، و در اینجا به برخی اصطلاحات کلامی خواهیم پرداخت. شما می‌توانید با تبریئه کردن کسی، او را عادل اعلام کنید، نه گناهکار. و بنابراین برخی آن را اینگونه ترجمه می‌کنند.

در واقع، من این ترجمه خالص را چند سال پیش انجام دادم، بنده من بسیاری را تبریئه خواهد کرد. بنابراین او آنها را عادل اعلام خواهد کرد. ما در الهیات به این می‌گوییم عادل شمردگی.

خداوند قادر است ما را از نظر قانونی عادل اعلام کند. ما در واقع عادل نبودیم، اما او ما را عادل اعلام می‌کند زیرا آن بنده مجازات گناه ما را بر خود گرفت و به ما اجازه داد تا در برابر خدا جایگاه شایسته و عادل داشته باشیم. و این یکی از گزینه‌هاست.

بنده‌ی من بسیاری را پارسا اعلام خواهد کرد، زیرا گناهان آنها را بر دوش کشیده است. او می‌تواند این کار را انجام دهد زیرا خود حامل گناه بوده است. اما برخی افراد می‌خواهند در اینجا کمی فراتر بروند و این کار توجیهی در کاربرد دارد.

بنده من نه تنها بسیاری را تبریئه خواهد کرد، بلکه در واقع آنها را عادل می‌کند، و این به این دلیل است که او گناهان آنها را حمل می‌کند. به عبارت دیگر، او قرار است آنها را به یک رابطه جدید با خدا وارد کند که فقط به معنای عادل شدن قانونی نیست؛ او در واقع آنها را عادل می‌کند، و ما آن را تقدیس می‌نامیم. بنابراین من تعجب می‌کنم که آیا شاید در این فعل عبری، هر دو مفهوم توجیه و تقدیس ما وجود داشته باشد.

منظور ما این است که وقتی به بنده یا از طریق کار رستگاری بخش او اعتماد می‌کنید، او شما را در برابر خدا عادل اعلام خواهد کرد. گناهان شما علیه شما نگه داشته نمی‌شوند، بلکه او یک قدم فراتر می‌رود. او زندگی شما را متحول خواهد کرد.

او قرار است شخصیت شما را دگرگون کند. من داوود را به یاد دارم که در مزمور ۵۱ از خداوند طلب بخشش می‌کرد. فکر می‌کنم او می‌خواست که گناهانش به حسابش گذاشته نشود، اما در عین حال درخواست دگرگونی هم می‌کرد. به یاد داشته باشید، او گفت: «در من قلبی پاک بیافرین، فقط قلب مرا». تغییر بده

پیش می‌رفتم، اما اکنون تمایل دارم با دیدگاه تقدیس (justification) و من قبلاً بیشتر با دیدگاه توجیه پیش بروم، و به جای اینکه ترجمه بسیاری را تبریئه کند، مثلاً شاید بسیاری را تبریئه کند و (sanctification) عادل کند، یا فقط آنها را عادل کند. با یکی از آنها پیش بروید. می‌خواهم کمی مکث کنم و کمی در مورد عادل کردن، یا فقط آنها را عادل کند. در اینجا هیچ کفاره جایگزینی وجود ندارد.

برخی منکر این هستند که عیسی در اینجا مد نظر است، و یک محقق یهودی به نام هری اورلینسکی وجود داشت، و سال‌ها پیش او در سینسیناتی در مورد این متن سخنرانی کرد، و عنوان آن را «بنده رنج کشیده در اشعیا ۵۳» گذاشت، و در نهایت منتشر شد، و او استدلال می‌کرد که ما در این متن کفاره جایگزین نداریم. این فقط در مورد رنج پیامبر برای رساندن پیام به مردم صحبت می‌کند. در اینجا هیچ کفاره جایگزینی وجود ندارد.

را دارید، به معنای عادل be justice خب، به نظر می‌رسد که اینجا درست است. وقتی شما شکل سببی کردن، تبریئه کردن یا اعلام عادل بودن کسی است، و استدلال او این بود که عادل اعلام کردن افراد گناهکار عملی زشت است، و عهد عتیق این را در یک محیط قانونی می‌گوید. قرار نیست قاضی کسی را که گناهکار است، بی‌گناه اعلام کند.

این اشتباه است. این انحراف از عدالت است، و بنابراین او می‌گوید که این انحراف از عدالت خواهد بود. این هرگز اتفاق نخواهد افتاد.

این هرگز، نمی‌تواند اینجا به این معنی باشد، و علاوه بر این، او یک قدم جلوتر می‌رود و می‌گوید که واقعاً چیزی به عنوان کفاره جایگزین در عهد عتیق وجود ندارد. من مطمئن نیستم که او چه می‌گوید، چگونه سیستم قربانی را درک می‌کند، و من فقط گیج شده‌ام. او در این قطعه خاص توضیحی در مورد آن نداد، اما من در حاشیه نسخه سخنرانی او نوشته‌ام، به انجیل خوش آمدی، هری.

دکتر اورلینسکی، به انجیل خوش آمدید، چون یک طنز در تمام این متن وجود دارد، و برخی از محققان آن را تشخیص داده و در مورد آن نوشته‌اند. می‌دانید، طنز، آتش‌نشانی سوخت. این چیزی غیرمنتظره است، و در این متن طنز وجود دارد، و طنز این است که هنجار، هنجار قانونی، که افراد شرور را بی‌گناه نمی‌دانید، در اینجا به نوعی واژگون می‌شود، زیرا در این مورد خاص، او گناهان آنها را به دوش کشید.

به گناهان آنها رسیدگی شد. او مجازات را بر خود گرفت، بنابراین آنها مجبور نیستند، و اینجا یک انتقال رخ داده است، و بنابراین او گناهان آنها را بر خود گرفت و مجازات را تجربه کرد، و تقریباً مثل این است که عدالت او به آنها تعلق می‌گیرد، و بنابراین، و سپس او واقعاً از این طریق پیروی خواهد کرد و بسیاری را عادل خواهد کرد، و بنابراین در مورد آن فکر کنید. همه ما گمراه شده‌ایم.

ما گمراه شده‌ایم، بنابراین اگر همه گناه کرده‌اند، بیایید در دسته‌بندی‌های عملی فکر نکنیم که برخی افراد درستکار و برخی دیگر شرور هستند. همه اینها نسبی است. هیچ‌کس درستکار نیست.

حالا داریم به تفکر پولس نگاه می‌کنیم، و پولس غرق در عهد عتیق بود، بنابراین سعی نداشت همه اینها را رد کند. فکر می‌کنم پولس احتمالاً از این متن برای بیان نکاتش استفاده می‌کرد. پولس می‌گوید هیچ‌کس عادل

نیست، پس خدا قرار است چه کار کند؟ اگر همه بی‌خدا هستند، اگر همه گناهکارند، وقتی به معنای مطلق به آن نگاه کنید، خدا قرار است چه کار کند؟ آیا قرار بود همه چیز را منفجر کند و از نو شروع کند؟ همه را نابود کند؟ نه! و بنابراین زیبایی انجیل در این است که او این کار را نمی‌کند.

او این کار را نمی‌کند، و آن بنده می‌آید، و بنده با پذیرفتن مجازات گناهان ما، عدالت خدا را برآورده می‌کند، و سپس خدا می‌تواند این افراد را به خاطر کاری که بنده برایشان انجام داده است، عادل اعلام کند. البته، ما می‌دانیم که در عهد جدید، این به طور خودکار برای همه اتفاق نمی‌افتد. شما باید این هدیه را بپذیرید.

شما باید رستگاری خدا را که به شما ارائه می‌دهد، بپذیرید، و بنابراین من استدلال‌های مری اورلینسکی را رد می‌کنم، و دوباره می‌گویم به انجیل خوش آمدید، و پولس قرار است این را به طور کامل شرح دهد، و پولس یهودی است که کتاب مقدس را می‌فهمد، و آن را درک می‌کند. او منظور این متن را درک می‌کند و آن را به همین صورت به کار می‌برد، و سپس آهنگ همانطور که با این ایده که بنده تبریئه می‌شود و پاداش می‌گیرد شروع شد، به پایان می‌رسد. در اینجا کمی از تصاویر نظامی استفاده شده است، بنابراین من بخشی را به او اختصاص می‌دهم تا با جمعیت صحبت کند.

او غنایم پیروزی را با قدرتمندان تقسیم خواهد کرد. بنابراین تقریباً مثل این است که بنده به جنگ رفته باشد، و جان خود را به خطر انداخته باشد، و جان خود را از دست داده باشد، زیرا گناه به او حمله کرده است، گناه به او حمله کرده است، اما در نهایت او تبریئه خواهد شد، و غنایم پیروزی را تقسیم خواهد کرد زیرا او با میل خود تسلیم مرگ شد، و هنگامی که گناه بسیاری را به دوش کشید، در زمره شورشیان قرار گرفت. ضمناً، پولس به زبان‌های زیادی اشاره می‌کند.

او درباره اینکه چه تعداد زیادی در آدم گناه کرده‌اند و بسیاری در عیسی رستگار خواهند شد، صحبت می‌کند. پولس به این موضوع اشاره می‌کند و به نمایندگی از شورشیان مداخله می‌کند. بنابراین این یک مرور کلی بسیار سریع از اشعیا ۵۳ بود، اما در آن آیه آخر، من همیشه به فیلیپیان فصل ۲ فکر می‌کنم، جایی که عیسی از آسمان پایین آمد و خدا-انسان شد، و از آنجا که او حاضر بود با فروتنی بیاید و خود را برای گناهکاران فدا کند، خدا او را بسیار سرافراز خواهد کرد.

و نمی‌توانید به من بگویید که پولس وقتی این را در فیلیپیان می‌نویسد، به اشعیا ۵۳ فکر نمی‌کند. او کاملاً از همه اینها آگاه است. بنابراین ما مطمئناً می‌توانیم آنچه عیسی برای ما انجام داده را جشن بگیریم، و این متن عالی برای خواندن درست در زمان عید پاک است.

اگر این کار را نمی‌کنید، سعی کنید هر سال این کار را انجام دهید و فقط در مورد آن تأمل کنید، زیرا صدها سال قبل از آمدن عیسی، اشعیا نبی این را دید و در مورد رنج‌های او صحبت کرد و همه چیز را در آنجا بیان کرد. انجیل همین جاست. شما به رستگاری نیاز دارید.

تو گناهکاری. تو به رستگاری نیاز داری، و خدا برای تو تدارک دیده است. و من فکر می‌کنم به همین دلیل است که، می‌دانید، مرد ثروتمند، می‌دانید، در داستان لازاروس، در آن داستانی که عیسی گفت، جایی که مرد ثروتمند در جهنم است، و او می‌گوید، لطفاً لازاروس را برگردان و به برادران من، خانواده من، هشدار بده.

آنها نمی‌خواهند اینجا بیایند. و چیزی که... می‌دانید، من فکر می‌کنم چیزی که ابراهیم می‌گوید و عیسی می‌گوید، می‌دانید، تأیید می‌کند، آنها موسی و پیامبران را دارند. حتی اگر کسی از مردگان برگردد، که عیسی قرار است این کار را بکند، هیچ تضمینی وجود ندارد که مردم ایمان بیاورند.

آنها موسی و پیامبران را دارند، و بنابراین باید فکر کنید، خب، موسی و پیامبران، این پولس نیست. این پطرس نیست. این یک رسول عهد جدید نیست که انجیل را در تمام آن موارد ترسیم کند.

خب، در کجای عهد عتیق چیزی می‌خوانیم که می‌تواند به رستگاری ما منجر شود و ما را از عذاب ابدی نجات دهد؟ سلام، فکر می‌کنم جاهای مختلفی در عهد عتیق وجود دارد، از جمله سیستم قربانی و آنچه، که الگو قرار می‌دهد، اما خب، این متن باید دقیقاً در مرکز آن باشد. اگر با اشعیا و آنچه او در مورد گناه قربانی گناه و کفاره گفته بود آشنا بودید، به اندازه کافی اطلاعات داشتید که خودتان را از این مکان دور نگه دارید. خب، این خیلی جالب است.

کمی وقت داریم، بنابراین می‌خواهم شما را با یک تمرین کوچک آشنا کنم. هنگام مطالعه این متن، ممکن است با خود فکر کنید که اوه، من باید این را به هر یهودی که می‌شناسم نشان دهم. این یک متن فوق‌العاده است که در مورد مسیح صحبت می‌کند که قرار است تاوان گناهان آنها را بپردازد.

یک متن فوق‌العاده، یا لازم نیست حتماً از یک یهودی باشد، می‌تواند از هر کسی باشد. کسی در محیط دانشگاه که قبول ندارد این متن درباره عیسی است. شاید در کاربرد مسیحی اینطور باشد، اما در متن اصلی اینطور نبود.

خب، به کسی که می‌گوید این مربوط به عیسی نیست چه پاسخی می‌دهید؟ خب، من این‌طوری این را بررسی می‌کنم. چطور حریف را در سه حرکت مات کنیم. خب، بعضی‌ها می‌گویند نه، اینجا اسرائیل نوکر است.

اسرائیل خادم است. خب، ما در مورد این موضوع در طول سرودهای خادمی صحبت کرده‌ایم. شما در مورد اسرائیل تبعیدی و گناهکار به عنوان خادم صحبت می‌کنید؟ بله، چون آنها در بسیاری از جاها از ۴۰ تا ۴۸ فصل‌های ۴۰ تا ۴۸، خادم هستند.

بله، آنها هستند، اما وقتی اینطور است، همیشه اسرائیل یعقوب نامیده می‌شوند. این بنده اینطور نامیده نمی‌شود. در واقع، وظیفه او رهایی اسرائیل یعقوب از گناهانشان و نتیجه گناهانشان، یعنی تبعید است.

بنابراین اسرائیل نمی‌تواند خادم باشد. این در مورد رنج کشیدن ملت اسرائیل به نحوی که قرار است برای غریبه‌های رستگاری، تیکون اولام یا چیزی شبیه به آن به ارمغان بیاورد، نیست. این چیزی نیست که ما اینجا در مورد آن صحبت می‌کنیم.

زیرا اسرائیل در این بخش گناهکار است و بنده آنها را از تبعید و از عواقب گناهانشان رهایی می‌بخشد. بنابراین، اسرائیل یعقوب نمی‌تواند بنده باشد. در اینجا دو بنده وجود دارد.

اسرائیل گناهکار، تبعیدی، کور و کر وجود دارد. و سپس این بنده وجود دارد که یک اسرائیل ایده‌آل است. درست است که در سرود دوم، او اسرائیل ۴۹.۳ نامیده شده است، اما نه اسرائیل یعقوب.

و سپس دو آیه بعد، او اسرائیل، یعقوب را نجات می‌دهد. بنابراین، نه، نمی‌تواند آن را داشته باشد. قرار نیست اسرائیل باشد.

ضمناً، من قبلاً به مقاله یوری اورلینسکی اشاره کردم، و در آن مقاله، او بحث فوق‌العاده‌ای در مورد این نکته دارد. او در مقابل دیدگاه رایج یهودی مقاومت می‌کند، و او یک یهودی است، و می‌گوید، نه، شما نمی‌توانید اسرائیل را به عنوان ملت اسرائیل، به عنوان خدمتگزار اینجا، قرار دهید. اسرائیل به عنوان ملت باید نجات یابد.

اونا ناجی نیستن. پس اون یکی دیگه مقصره. باشه، پس، خب، باشه

شاید خود پیامبر باشد. شاید هم خود پیامبر باشد. این چیزی بود که اورلینسکی میخواست استدلال کند، که به اصطلاح تثنيه - اشعیا بوده است

دیگران سعی کرده‌اند این را توجیه کنند. پس این پیامبر است. پیامبر به نوعی برای کمک به مردم رنج می‌کشد.

این کفاره‌ی جایگزین نیست، اما او قرار است پیامی را به مردم برساند تا آنها بتوانند به خدا ایمان بیاورند و امیدوار شوند که خداوند آنها را از تبعید رهایی خواهد بخشید. پس این پیامبر است، و پیامبر رنج کشید. بابلی‌ها به همین دلیل او را به زندان انداختند

بعضی‌ها اینجا اینطور استدلال می‌کنند. نه، نمی‌تواند اینطور باشد. بعضی‌ها حتی می‌گویند، خب، شاید این بازمانده‌ی صالحان در میان قوم خداست

، آنها به خاطر تمام ملت رنج می‌کشند، و به نوعی از طریق رنج آنها، خدا همه آنها را باز خواهد گرداند. نه، چون یادتان هست در آن سرود چه گفته شد، همه ما مثل گوسفندان گمراه شده‌ایم. ما که هستیم؟ من متوجه شدم که این پیامبر است

، پیامبر صحبت می‌کند. او از طرف تمام ملت صحبت می‌کند، اما دوباره مثل اشعیا ۶ است. در اشعیا ۶، وقتی اشعیا، پیامبر، گناه خود را می‌بیند، خدا را در تمام قداستش می‌بیند، و می‌شنود که سرافین می‌گویند کادوش، کادوش، کادوش، که تأکید زیادی بر مقدس بودن دارد، و او متوجه می‌شود، نه، من مردی با لب‌های ناپاک هستم

همه آنها دارند خدا را ستایش می‌کنند. من نمی‌توانم خدا را ستایش کنم. لب‌هایم ناپاک است

نمی‌توانم. رسم روزگار ستایش است، و من نمی‌توانم خدا را ستایش کنم چون ناپاک هستم، و در میان مردمی زندگی می‌کنم که ناپاک هستند. خدا ستایش مرا نمی‌خواهد

من گناهکارم. خدا او را تطهیر می‌کند. زبان را می‌آورد و زغال را روی لب‌هایش می‌گذارد و او را تطهیر می‌کند و حالا او آماده خدمت است

«او آماده است تا نماینده خدا باشد، بنابراین اشعیای نبی کاملاً از گناهکار بودن خود آگاه است و می‌گوید اینجا همه ما مثل گوسفندان گمراه شده‌ایم. هیچ استثنایی وجود ندارد، بنابراین نمی‌تواند پیامبر باشد.» نمی‌تواند پیامبر باشد

خب، در آن برهه، واقعاً افرادی به من می‌گفتند، خب، فکر می‌کنم حتماً مسیح است، و در آن برهه، می‌توان گفت، منظور شما این است که وقتی مسیح بیاید، آن قهرمان فاتحی که همه از او استقبال می‌کنند، نخواهد بود. او در واقع طرد خواهد شد. او رنج زیادی خواهد کشید

او از سرزمین زندگان جدا خواهد شد، اما ناگهان، دوباره بازگشته است، و عمری طولانی خواهد داشت و فرزندان زیادی خواهد داشت. خدا او را برکت خواهد داد. این برای من آشنا به نظر می‌رسد

فکر نمی‌کنم لازم باشد به آینده نگاه کنیم. تا جایی که به من مربوط می‌شود، مسیح یک نام و یک چهره دارد، و من به گذشته نگاه می‌کنم، و این کاری است که عیسی انجام داد. بنابراین، اگر می‌گویید این مسیح است منظورتان این است که شخصی به عنوان مسیح ظهور خواهد کرد، و او کاری را که عیسی انجام داد، دوباره انجام خواهد داد.

این برای من هیچ معنی‌ای ندارد. چرا فقط عیسی را اینجا نبینیم؟ این کاری است که او انجام داد. بنابراین سه حرکت.

نمی‌توانید بگویید که این اسرائیل است، اسرائیل تبعیدی. این اسرائیل ایده‌آل است، اما نه اسرائیل تبعیدی نمی‌توانید بگویید که این پیامبر است، و اگر بگویید که این مسیح است، خب، در آن مرحله به نوعی گرفتار شده‌اید.

بنابراین، شما این کار را با لبخندی بر لب انجام می‌دهید، و آنها را در جریان آن قرار می‌دهید، و من در واقع قبلاً این کار را انجام داده‌ام و پاسخ مناسبی از مردم دریافت کرده‌ام، اما می‌دانید، روح باید در کار باشد و آنها را متحول کند. بنابراین، ما سرودهای خدمتگزاری را تمام کردیم، و بنابراین چیزی که اساساً می‌گوییم این است که در بخش اول اشعیا کار زیادی نکردیم. ما به فصل ۱۱ نگاه کردیم، اما چیزی که می‌گوییم شخصیت سلطنتی مسیحایی در اشعیا ۱ تا ۳۹ است، به خصوص فصل‌های ۷، فصل ۹، فصل ۱۱، و برخی جاهای دیگر که اشعیا پیش‌بینی می‌کند، این پادشاه ایده‌آل داوودی که خواهد آمد، او مسیح است، اما ما همچنین اشاره می‌کنیم که در این سرودهای خدمتگزاری، ما مسیح را نیز داریم، زیرا با پیوند بسیار قدرتمندی به فصل ۱۱ آغاز می‌شود.

شباهت زیادی بین این آهنگ‌ها و فصل یازدهم وجود دارد، و بنابراین گفتیم که خدمتکار یک پادشاه است. او یک شخصیت سلطنتی است. حالا، او بیش از این است.

او همچنین یک پیامبر است، و شاید، بسته به اینکه چگونه چند مورد از آن قسمت‌ها را در اشعیا ۵۳ برداشت کنید، یک کاهن نیز باشد. بنابراین، بین این متون ارتباطی وجود دارد، و بنابراین می‌خواهم شما را در مورد مطلب کوتاهی که نوشتیم به نام پادشاه ایده‌آل خدا در اشعیا راهنمایی کنم. پادشاه ایده‌آل خدا

ما با پیروزی و شکوه شروع می‌کنیم. بنابراین، پادشاه ایده‌آل، داوود جدید خواهد بود. ما قبلاً در یکی از سخنرانی‌های قبلی‌مان، فصل ۱۱، آیه ۱، به آن نگاه کردیم. قرار است جوانه‌ای از پسی بیرون بیاید.

قرار است یک داوود جدید باشد. ضمناً، ما این مضمون جدید داوود را در میکاه ۵:۲ نیز می‌بینیم. قرار است یکی از بیت‌لحم بیاید. خب، داوود از بیت‌لحم آمد، و در متن آمده است، و او مدت‌ها پیش در دوران باستان با ما بوده است.

او به داوود اشاره می‌کند. این جایگاه ویژه پسر خداست. این مزمور ۲، مزمور ۸۹، نخست‌زاده خداست.

پادشاه ایده‌آل دشمنان اسرائیل را مطیع خود خواهد کرد. او این کار را خواهد کرد. اگر به اشعیا فصل ۹ آیات ۴ تا ۶ برگردید، پادشاه مسیحایی ایده‌آل یک جنگجو خواهد بود و دشمنان اسرائیل را شکست خواهد داد.

و متون دیگری مانند میکاه ۵ نیز این را به تصویر می‌کشند. پادشاه ایده‌آل، حکومت خدا را بر ملت‌ها گسترش خواهد داد. مزمور ۲، مزمور ۷۲، اشعیا ۹، ۷، اشعیا ۱۱، ۱۰، دانش خداوند که قرار است زمین را فرا گیرد.

و پادشاه ایده‌آل، عدالت را در سراسر زمین برقرار خواهد کرد. مزمور ۷۲، که قبلاً به آن نگاه کردیم، اشعیا ۹، ۱۱، ۴۲، این اولین سرود بنده است. ۴۹، این دومین سرود بنده است.

بنابراین، این پادشاه ایده‌آل خدا از نظر پیروزی و جلال است. این همان نوع مسیحایی است که آنها به دنبالش بودند. پادشاه ایده‌آل، داوود جدید خواهد بود، به عنوان پسر خدا از جایگاه ویژه‌ای برخوردار خواهد بود، دشمنان اسرائیل را مطیع خود خواهد کرد، حکومت خدا را بر ملت‌ها گسترش خواهد داد و عدالت را در زمین برقرار خواهد کرد.

و آنها به دنبال این نوع مسیح بودند، حداقل بسیاری از آنها در دوره معبد دوم بودند. ما کتابی به نام مزامیر سلیمان داریم که در قرن اول قبل از میلاد در پاسخ به واقعیت حکومت روم بر اورشلیم نوشته شده است و نشان می‌دهد که حداقل برخی از یهودیان انتظار ورود پادشاه ایده‌آل را داشتند. در مزامیر سلیمان، فصل ۱۷، این را خواهید دید.

آنها به دنبال پادشاهی از نسل داوود هستند که قرار است بیاید. متنی از قمران وجود دارد که قدمت آن به قرن اول قبل از میلاد یا بعد از میلاد مسیح برمی‌گردد، حدس می‌زنم درست حوالی زمان تولد مسیح، که ورود یک حاکم فاتح از نسل داوود را پیش‌بینی می‌کند، که به طرز عجیبی قرار است با یک شخصیت مسیحایی کاهن همراه باشد. آنها دو مسیح داشتند، یکی سلطنتی و دیگری کاهن.

فکر می‌کنم احتمالاً دارند این را از زکریا بیرون می‌کشند، جایی که مثلاً یک نسل داوودی هست و بعد یک کاهن، و وقتی آن را می‌خوانید واقعاً پیچیده است. انگار قرار است از هم جدا باشند، اما شاید بعداً با هم ادغام شوند. به هر حال، آنها انتظار داشتند که این حاکم فاتح از راه برسد.

و من یک دوست یهودی داشتم که یک بار به من گفت، همانطور که با هم کتاب مقدس را مطالعه می‌کردیم و به اشعیا ۱۱ نگاه می‌کردیم، او گفت، باب، به همین دلیل است که ما باور نداریم عیسی مسیح است. او این کار را نکرد. او عدالت را به زمین نیاورد.

او این کار را نکرد. شیر کنار بره دراز نکشیده و از این حرف‌ها. و من گفتم، خب، آیا به این فکر کرده‌اید که این تنها تصویر پادشاه ایده‌آل خدا یا مسیح نیست که می‌بینیم؟ اینکه چیزهای بیشتری از این حرف‌ها وجود دارد.

ما به عنوان مسیحیان معتقدیم که این آیات درباره پیروزی و جلال مسیح صحبت می‌کنند، که همان ظهور مجدد عیسی مسیح است، زمانی که او دشمنان را شکست می‌دهد. در مورد آن در مکاشفه بخوانید. او پادشاهی خود را بر روی زمین برقرار می‌کند، که در این آیات عهد عتیق توصیف شده است.

اما ما به جزئیات بیشتری از داستان می‌پردازیم. بنابراین، بخش دوم این مقاله به مخالفت و رنج می‌پردازد. پادشاه ایده‌آل در مواجهه با مخالفت‌ها پافشاری خواهد کرد.

مخالفت‌هایی وجود خواهد داشت. مزمور ۲، چرا ملت‌ها شورش می‌کنند؟ و قوم‌ها خیال باطلی در سر می‌پروراند. آنها می‌خواهند علیه اقتدار خدا شورش کنند، و می‌خواهند علیه پادشاه برگزیده او شورش کنند.

در سرودهای مربوط به خدمتکاران، اشارات کوچکی به مخالفت در سرودهای اول و دوم دیده‌ایم. در فصل ۵۰ به پل ارتباطی با خدمتکار در حال رنج کشیدن می‌رسیم. به یاد داشته باشید، او مسیح سلطنتی است که ۵۰ به عنوان خدمتکار خداوند رنج می‌کشد و سپس در فصل ۵۳ به اوج خود می‌رسد.

مخالفت‌هایی وجود خواهد داشت. او پافشاری خواهد کرد. پادشاه ایده‌آل در نقش خود به عنوان بنده خداوند، رنج و عذاب دست خداوند را تحمل خواهد کرد تا کفار گناهان قوم خود و بسیاری دیگر، هر که باشند، را بپردازد.

و من فکر می‌کنم که این شامل قوم عهد خدا، اسرائیل، و همچنین ملت‌ها می‌شود. و به دلیل تمایل او به رنج کشیدن برای بسیاری، خداوند بنده را به پادشاهی بر ملت‌ها خواهد رساند. و ما این را در ابتدا و انتهای اشعیا ۵۳ می‌بینیم.

بنابراین، اشعیا ۵۳ چیزی را که در اشعیا ۱۱ می‌خوانید، پیش‌بینی می‌کند. اشعیا ۵۳ فقط رنج خالص نیست. این بنده‌ای است که رنج کشیده، اما اکنون به دلیل رنجی که کشیده، تعالی خواهد یافت.

این اشعیا ۱۱ است. بنابراین، سعی کنید به کسی که روی این ایده متمرکز است نشان دهید که مسیح باید این پادشاه فاتح باشد، و این اتفاق نیفتاد، و بنابراین عیسی نمی‌تواند مسیح باشد. خب، خدا آماده نبود که به آنها یک پادشاه فاتح بدهد، زیرا، بله، آنها با حکومت روم، حکومت ستمگر روم، مشکل داشتند، اما یک مشکل عمیق‌تر، یک مشکل معنوی وجود داشت که باید به آن رسیدگی می‌شد.

چون در طول تاریخ به آن فکر کنید، اگر خدا قوم خود را نجات داده است، این را در داوران می‌بینید. او دائماً قوم خود را نجات می‌دهد.

آنها مستقیماً به گناه خود برمی‌گردند. آنها مستقیماً به گناه خود برمی‌گردند. بنابراین رهایی لزوماً هیچ تغییری در مردم ایجاد نخواهد کرد.

و قوم خدا گناهکار بودند. و بنابراین آنچه در این بخش از اشعیا می‌بینیم این است که خداوند قرار است آن مشکل بسیار جدی را از طریق رنج بنده حل کند، و سپس پادشاهی باشکوه آینده را به ارمغان بیاورد. اما قبل از اینکه بتوانید یک جامعه را متحول کنید، باید قلب‌ها را متحول کنید.

نوعی اصل کلی که با نگاه به هر جامعه‌ای آن را درک می‌کنیم. انجیل واقعاً پاسخ مشکلاتی است که امروزه با آن مواجه هستیم و خدا می‌خواهد مردم را متحول کند. بنابراین تا زمانی که با مخالفت و رنج روبرو نشوید، به پیروزی و جلال دست نخواهید یافت.

و عیسی مسیح است زیرا هر دو تصویر را به کمال رساند. و این راه دیگری است که می‌توانید این را برای مردم توضیح دهید، در حالی که آنها اعتراض می‌کنند. و فکر می‌کنم کمی وقت داریم، بنابراین یک موضوع دیگر وجود دارد که می‌خواستم در مورد آن صحبت کنم، و آن اشعیا ۶۱ است.

ما بحث می‌کردیم که در این بخش چهار سرود خدمتگزاری وجود دارد، اما در واقع، فکر می‌کنم یک سرود پنجم هم وجود دارد. مردم آن را نمی‌بینند زیرا بسیاری از مردم امروزه بخش آخر اشعیا را به ۴۰ تا ۵۵ و سپس ۵۶ تا ۶۶ تقسیم می‌کنند، که به اصطلاح اشعیا دوم و اشعیا سوم نامیده می‌شوند. و وقتی این کار را می‌کنید، وحدت بین بخش‌ها کاهش می‌یابد.

اما در اشعیا ۶۱:۱، این را می‌خوانیم: روح خداوند متعال بر من است، زیرا خداوند مرا برگزیده است. او مرا مأمور کرده است. حال، یک دقیقه همین‌جا توقف می‌کنیم.

این چه صدایی است؟ روح خداوند بر من است. سرود خدمتگزار اول. روح بر او نازل می‌شود.

خداوند مرا برگزیده است. سرود خدمتگزار اول. او مرا مأمور کرده است.

. او این وظیفه را به من داده است. او واقعاً مرا مسح کرده است. انتخاب کننده اینجا مَسَح است.

او مرا برگزیده است. این فعلی است که ما از آن کلمه ماشیح، مسیح، را می‌گیریم. پس او مرا مسح کرده است.

و در عهد عتیق، وقتی مسح با روح القدس اتفاق می‌افتد، سلطنتی است. سلطنتی است. خب، خب، اینجا کسی را داریم که طوری صحبت می‌کند که انگار پادشاهی است که توسط خدا انتخاب شده است.

برای چه کاری؟ برای تشویق فقرا. برای کمک به دلشکستگان. این شبیه سرود اولین خدمتکار است.

ستمديدگان، می‌دانید، فتيله کم‌نور. برای فرمان آزادی اسیران و آزادی زندانیان. یک دقیقه صبر کنید، ما همین الان این را در آهنگ‌های اول و دوم خواندیم.

او قرار است چشمان نابینایان را باز کند و آنها را از زندان آزاد کند. تا سالی را که خداوند لطف خود را نشان خواهد داد، اعلام کند. پس کن.

او طوری درباره انتقام و همه این‌ها صحبت می‌کند که انگار قرار است نوعی جنگجو باشد. اما عیسی طومار را در کنیسه برداشت و این متن را تا جایی که من خواندم خواند و گفت: «امروز این نوشته در گوش شما به حقیقت پیوست.» و اگر این متن را با متون دیگر مقایسه کنید، من کمی به آن اشاره کردم، انواع و اقسام شباهت‌ها وجود دارد.

شما قدرت روح الهی و همچنین خدمت به فقرا و همه این‌ها را دارید. می‌توانیم فهرستی از آنها تهیه کنیم. و بسیاری از محققان خواهند گفت، می‌دانید، این شبیه به خدمتکار به نظر می‌رسد.

به نظر می‌رسد که این حرف، حرف بنده‌ی خداوند است. انگار منظور همان است. نمی‌تواند باشد، چون او اینجا یک نبی است.

او دارد اعلام می‌کند. او یک پیامبر است. و من در پاسخ می‌گویم، بله، او یک پیامبر است، اما دچار دوگانگی. کاذب نشوید.

انتخاب شما بین پادشاه و پیامبر نیست، و فقط می‌توانید یکی را انتخاب کنید. نه، او هر دو است. او با روح مسح شده است.

او نگران عدالت است. او یک پادشاه است، اما همچنین سال لطف خداوند را اعلام می‌کند، و این نوعی اشاره به سال یوبیل در عهد عتیق است، که در واقع کاری است که آنها برای ترویج عدالت انجام می‌دادند. بنابراین دوباره، این سلطنتی است.

بنابراین او اعلام می‌کند، فرمان می‌دهد، او به همان اندازه که پیامبر است، پادشاه نیز هست. و ما این را در آهنگ‌ها می‌بینیم. ما هر دوی این مضامین را می‌بینیم.

بنابراین من دوست دارم فکر کنم که اگرچه او اینجا خودش را بنده نمی‌نامد، اما این متن خاص همان مار است. مار. بنده

دارم خسته می‌شوم. این بنده است که صحبت می‌کند، و این بنده‌ی خداوند است، و بنابراین دوست دارم آن را به عنوان پنجمین سرود بنده در نظر بگیرم. و اگر واقعاً اینطور باشد، سلسله سرودهای بنده به نوعی در جایی که شروع شده بود، به پایان می‌رسد.

این با یک شخصیت سلطنتی که توسط خداوند انتخاب شده بود آغاز شد. او قرار است بیاید و عدالت را به زمین بیاورد و برای فقرا و نیازمندان رهایی به ارمغان بیاورد. همه اینها در ۴۹ تکرار می‌شود.

او در سرودهای سوم و چهارم به رنج و ستم سنگین بر بنده می‌پردازد. اما حالا به دایره کامل برمی‌گردیم و او درباره رسالت خود صحبت می‌کند. عیسی با نقل این جمله، اساساً می‌گوید که من هستم.

من پادشاه ایده‌آل از نسل داوود هستم. من مسیح هستم، و من پیامبر هستم، پیامبر نهایی که خواهد آمد. من بنده‌ی خداوند هستم که این نقش‌ها را با هم ترکیب می‌کند.

کلامت سپاسگزاریم. از تو به خاطر داشتن نقشه از همان ابتدا سپاسگزاریم.

ما آن نقشه را که در عهد عتیق برای ما ترسیم شده، از پیش ترسیم شده و با جزئیات کافی به آن اشاره شده است، می‌بینیم، به طوری که وقتی در تاریخ آشکار شد، مردم باید می‌توانستند آن را ببینند. و بسیاری این کار را کردند و به عنوان ناجی خود به سوی خداوند عیسی آمدند و دریافتند که او همان مسیح و بنده رنج‌کشیده است، همه در یک تن. ما از تو سپاسگزاریم که او گناهان ما را پرداخت، که ما می‌توانیم بی‌گناه اعلام شویم، و اینکه از طریق روح تو، ما را از طریق کار روح خود عادل می‌سازی.

ما از شما به خاطر این سپاسگزاریم، و از شما به خاطر خداوندمان عیسی که به نام او دعا می‌کنیم. سپاسگزاریم. آمین.

این دکتر رابرت چیشولم و آموزه‌های او در مورد سرودهای خدمتگزار اشعیا است. این جلسه ۴، خدمتگزار رنج‌کشیده خداوند، بخش ب است. اشعیا ۵۲:۱۲-۵۳:۱۲.